

تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران
بین سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۸۴)

لیلا حاجی قهرمانی^۱
بهمن کشاورز^۲
حسن عیوض‌زاده^۳
مهدی خوشخطی^۴

تاریخ وصول: ۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۹

چکیده

با توجه به اینکه زنان به‌عنوان بخش مهمی از اجتماع، وظایف خطیری را عهده‌دار بوده‌اند و همراه با مردان در صحنه‌های گوناگون حضور فعالانه داشته‌اند، اما طی دوره‌های گذشته در کشور ما توجه به جایگاه و حقوق زنان فراز و نشیب‌هایی را به خود دیده است. بر این اساس این مطالعه با هدف توصیف و تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران، انجام شد. مطالعه حاضر بر اساس هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، نوعی تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. گردآوری اطلاعات نیز به‌صورت کتابخانه‌ای - اسنادی، انجام گرفت. طی این مطالعه، جایگاه زنان در مقاطع مختلف قبل و بعد از انقلاب اسلامی بررسی گردید. نتایج بررسی‌ها حاکی از این است که زنان قبل از انقلاب اسلامی موقعیت‌هایی محدودی را کسب کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت زنان دوباره متحول شد و در این برهه مشکلات عدیده‌ای که جامعه با آن مواجه شده بود، مانع از توجه به مسائل زنان و احیای حقوق از دست رفته آنان بود. لیکن پس از بهبود نسبی اوضاع جامعه، مجدد موضوع حقوق زنان و جایگاه واقعی این قشر مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفت.

واژگان کلیدی: جایگاه زنان، انقلاب اسلامی ایران، سیاست دولت، تغییرات.

۱- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول).

lhajigahramani@yahoo.com

۲- استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۳- استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۴- استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

مقدمه

جامعه معاصر ایران، جامعه‌ای در حال گذار است. در این میان وضعیت زن ایرانی به جبر یا اشتیاق دچار تغییرات کیفی شده است اما در عرصه تحولات سیاسی در مقایسه با وضعیت زنان در جهان غرب، جایگاهی شایسته نداشته است (بابایی راد و حاتم‌پور، ۱۳۸۹: ۳۶). نهضت‌ها و جنبش‌هایی توسط زنان به سمت و سوی برابری، رفع هرگونه تبعیض جنسیتی به‌ویژه در برابر قوانین و مقررات گوناگون مدنی و سیاسی، هدایت و رهبری شده که در نهایت با دستیابی به آرمان‌های خود، یا رو به افول نهاده‌اند و یا مسائل و دغدغه‌های دیگر زنان را محور فعالیت‌های خویش قرار داده‌اند. بعد از انقلاب مشروطه در ایران که زنان را به درک موقعیت پایین‌ترشان متوجه نمود، تشکل‌های زیادی، برای حمایت و احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی زنان ایرانی شکل گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران وضعیت زنان دوباره تحولی دیگر به خود دید. در این برهه مشکلات عدیده‌ای که جامعه با آن مواجه شده بود، مانع از توجه به مسائل زنان و احیای حقوق از دست رفته آنان بود. لیکن پس از بهبود نسبی اوضاع جامعه، مجدداً موضوع حقوق زنان و جایگاه واقعی این قشر مورد توجه مسئولین قرار گرفت. امروزه در بیشتر نهادها و سازمان‌های کشور، دستگاه‌هایی برای پیشرفت زنان استقرار یافتند. در نتیجه میزان مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی جامعه بیشتر شده و عرصه گسترده‌تری برای فعالیت‌ها، فرا روی زنان ایرانی قرار گرفته است.

مسائل مربوط به زنان و حقوق آنان، در دو قرن اخیر چه به لحاظ نظری و چه از جنبه علمی، مطرح شده و مورد بحث اندیشمندان و نظریه‌پردازان غرب و جهان سوم قرار گرفته است. علت دورافتادگی زنان از تحولات سیاسی و میزان نقشی که در تحولات می‌توانند داشته باشند، ریشه در باورها و ساختارهای دیرینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در قرن گذشته دارد (بابایی راد و حاتم‌پور، ۱۳۸۹: ۳۶). موقعیت زنان در دوران قبل از انقلاب دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی شد و در این راستا زنان برای اولین بار در حوزه سیاسی موقعیت پیدا کردند. متأثر از آن شرایط همچنین در پست‌های اداری و سیاسی توانستند جایگاه برتری را کسب کنند، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحت تأثیر ایدئولوژی دولت، حضورشان در کانون‌های قانونگذاری، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و مشاغل ارشد بسیار کم‌رنگ شد و در این خصوص نقش و جایگاه زنان در موقعیت آموزشی و سیاسی و اداری به‌عنوان مدیر و مدبر کاهش یافته بود، برنامه‌های اول و دوم توسعه را از لحاظ توجه به مباحث زنان و به‌خصوص خانواده می‌توان ضعیف ارزیابی کرد. یکی از علل اصلی بی‌توجهی برنامه‌های نخست پس از انقلاب به بحث زنان، بعلت درگیری در امور جنگ و مسائل وابسته به آن مجال پرداختن به موضوع مشارکت سیاسی زنان نبود ولی بعد از سال ۱۳۶۸ با تحولات داخلی به‌تدریج موقعیت زنان در حوزه‌های شغلی و مدیریتی تا حدودی بهبود و حالت فزاینده داشته است. در دوران سازندگی، رویکرد جدیدی نسبت به مسائل زنان برگزیده شد و رسیدگی و برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت زنان و پیشبرد آن آغاز گردید. رویکرد دولت اصلاحات در

ایجاد پست‌های جدیدی در سطح میانه مدیریت سیاسی و لحاظ نمودن نگرش جنسیتی در برنامه سوم توسعه بود (سرمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). فعالیت زنان در عرصه سیاسی، آموزشی و اداری تا حدودی افزایش یافت. از همین رو، زنان به منابع قدرت دسترسی بیشتری یافتند.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تعداد مدیران زن در سال‌های ۷۵ تا ۸۰ افزایش یافته است بر اساس آمارها شاهد روند رشد چشمگیر سواد در جامعه زنان هستیم. این امر همواره ذهن را به تأمل وامی‌دارد که آیا تحولات بین‌المللی و تحولات داخلی ایران و تغییر سیاست دولت‌ها در پرننگ شدن جایگاه زنان در عرصه‌های سیاسی، مدیریتی، اداری و آموزشی مؤثر بوده است؟ به‌رغم این تلاش‌ها و تحولات سیاست‌های دولت نسبت به جایگاه زنان، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در مورد زنان در جمهوری اسلامی ایران نشانگر آن است طی دو دهه اخیر، هنوز توسعه همه‌جانبه برای زنان با کمبودهای اساسی و چالش‌های بزرگی رو در رو است و همچنان کارکنان زن دور از فرصت‌های برابر جهت انتصاب و ارتقا در سطوح مختلف مدیریت قرار دارند و نتوانسته‌اند حقوق مدنی را از آن خودشان کنند. اما با توجه به اینکه در حوزه مطالعه سیاست‌های دولت در قبال جایگاه و حقوق زنان پژوهش‌های مرتبطی انجام نشده است.

هدف اصلی این پژوهش تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران است و در قالب این هدف اصلی اهداف اختصاصی زیر نیز دنبال می‌شود:

۱- آشنایی با جایگاه زنان در قبل از انقلاب اسلامی

۲- آشنایی با جایگاه زنان در بعد از انقلاب اسلامی

۳- آگاهی از جایگاه زنان در طی ۱۰ سال اخیر

با بررسی‌های گسترده‌ای که پژوهشگر در رابطه با سابقه و پیشینه پژوهشی در مجلات علمی پژوهشی، مجلات حقوقی و سیاسی، فهرست پایان‌نامه‌ها و رساله‌های انجام یافته، سایت‌های علمی فرهنگی و اجتماعی از جمله سایت علوم و فناوری اطلاعات ایران و ... انجام داد، چنین حاصل شد که از لحاظ سابقه پژوهشی، مطالعه‌ای که به‌صورت مستقیم و نزدیک در زمینه تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران انجام شده باشد، وجود نداشت. بنابراین پژوهشگر بر خود فرض دانست تا در این زمینه بررسی‌هایی هر چند اجمالی به‌عمل آورد و نتایج حاصل را جهت استفاده در اختیار علاقه‌مندان به این حوزه قرار دهد. در زیر به برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه اشاره می‌شود:

افراخته و سرایی در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه زنان در برنامه توسعه چهارم و پنجم» به موضوع زنان اشاره کرده‌اند. روش تحقیق حاضر، با استفاده از تکنیک محتوا بررسی شده، بررسی جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور هدف اصلی پژوهش بوده بررسی جایگاه زنان با استفاده از شش مولفه نشان داده که در برنامه‌های توسعه کشور به جایگاه زنان به‌ویژه زنان

روستایی توجه کافی مبذول نشده است که می‌تواند ناشی از دیدگاه محدود برنامه‌ریزان بوده یا ریشه در نظام نهادی و باورهای اجتماعی داشته باشد که لازم است به تدریج درباره آن بازبینی شود. این پژوهش جایگاه زنان را در دو برنامه چهارم و پنجم از بعد عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور مورد بحث و بررسی قرار داده است در حالی که پژوهش حاضر جایگاه زنان را در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی هر پنج برنامه توسعه پرداخته است که جامع و کامل می‌باشد چون لازمه رشد و بهبود هر وضعیتی در گرو سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق و اصولی درباره آن مشکل و مسئله است.

باستانی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه: مقایسه کشورهای اسلامی (کشورهای عضو کنفرانس اسلامی) با تأکید بر ایران» به نقش زنان در برنامه‌های توسعه پرداختند. در این پژوهش از روش‌شناسی تلفیقی، کتابخانه‌ای و تحلیل ثانویه و از داده‌های بانک جهانی و گزارش‌های توسعه انسانی برای پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده شده است. بر اساس نتایج پژوهش، موقعیت زنان در ایران و تمامی کشورهای اسلامی به لحاظ بهداشتی و آموزشی بهبود یافته است، اما به لحاظ اقتصادی و سیاسی تغییرات مهمی صورت نگرفته است. مقایسه وضعیت زنان در ایران و سایر کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که در ایران و کشورهای اسلامی خاورمیانه، مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان کم‌تر از کشورهای اسلامی شرق آسیا هم چون مالزی و کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز است. در مجموع می‌توان گفت نابرابری جنسیتی به‌ویژه در حوزه اقتصادی و سیاسی در ایران و سایر کشورهای اسلامی هم‌چنان چشمگیر است. این نابرابری جنسیتی به نوبه خود مانع توسعه می‌باشد. برای رفع این نابرابری‌ها، با نهادینه نمودن نگرش‌های این نابرابری جنسیتی به نوبه خود مانع توسعه می‌باشد. برای رفع این نابرابری‌ها، با نهادینه نمودن نگرش‌های جنسیتی در برنامه‌های توسعه، باید تلاش نمود تا شکاف‌های جنسیتی را در عرصه‌های مختلف بهداشتی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی کاهش داد. در این بررسی نویسنده به بیان وضعیت زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پرداخته و وضعیت زنان جمهوری اسلامی را با سایر کشورهای اسلامی مقایسه کرده است، ولی به این نقطه که سیاست دولت نسبت به تغییر جایگاه زنان چه بوده سکوت اختیار کرده است.

عباس فاطمی در کتاب تأملی بر مشارکت سیاسی اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۸۰-۱۳۳۲) می‌نویسد مشکلات زیادی پس از انقلاب برای کشور به‌وجود آمد از جمله وقوع جنگ به مدت هشت سال و انواع مسائل سیاسی پس از انقلاب و مقابله قدرت‌های بزرگ جهانی با انقلاب به شیوه‌های گوناگون از تحریم اقتصادی گرفته تا انزوای سیاسی، لیکن در بررسی شاخص‌های مشارکت سیاسی اجتماعی مشاهده می‌شود که سطح آموزش زنان هم در بعد کمی و هم در بعد کیفی بسیار پیشرفت نمود و در زمینه اشتغال نیز پس از اتمام جنگ میزان بیکاری زنان کاهش یافت و به عبارت دیگر میزان اشتغال آن‌ها حتی به نسبت قبل از انقلاب افزایش داشته است. و می‌گوید که درخصوص کاندید

شدن و به‌عنوان نماینده رأی آوردن، نسبت نمایندگان زن در بعد از انقلاب نسبت به قبل از انقلاب کاهش داشته است اما به سیاست‌گذاری دولت‌ها در این مورد اشاره‌ای ننموده است.

نوشین احمدی خراسانی (۱۳۸۴)، در کتاب «زنان زیر سایه پدرخوانده‌ها» می‌نویسد که ثبات‌گرایان مجموعه‌ی برخوردها و روش‌هایی که در پیش گرفته‌اند، عملاً خواسته‌ها و نیازهای به حق زنان، مانند خواست حقوق برابر و عادلانه، حق اشتغال، حق طلاق را به تبصره‌ها و اماها مشروط می‌کنند که این خواسته‌ها تا سطح وضع موجود تنزل می‌یابد. اینان حق اشتغال بی‌قید و شرط زنان را به این دلیل که هدف اسلام رشد و تعالی زن است و نه این که حتماً شاغل باشد و یا پست اجرایی داشته باشد، در پرده‌ی ابهام فرو می‌برند و با این عنوان که این حق باید با وظیفه‌ی مادری منافات نداشته باشد، آن را مشروط می‌کنند. وقتی زنان خواسته‌اند از ورود خود به جایگاه‌های مدیریت کلان سیاسی سخن برانند با بحث شایسته‌سالاری روبه‌رو شده‌اند، بحثی که هیچ‌گاه در ایران زمینه‌ی عینی نداشته و همواره قوم‌سالاری و خویشاوندمحوری تعیین‌کننده‌ی انتصاب‌ها بوده است، اما به تطور سیاست‌های دولت به جایگاه زن، و تحولی که در موقعیت‌های مختلف زنان رخ داده، توجه نکرده است.

با توجه به مطالبی که ذکر گردید پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر طرح شده است:

۱- جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی چگونه بود؟

۲- زنان بعد از انقلاب اسلامی چه جایگاهی پیدا کردند؟

۳- جایگاه زنان در طی ۱۰ سال اخیر چگونه بوده است؟

روش

پژوهش حاضر از جهت هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش، نوعی تحقیق توصیفی - تحلیلی است گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای - اسنادی، انجام گرفت. بدین صورت که نتایج پژوهش‌های میدانی مرتبط در مجلات علمی - پژوهشی و گزارش تحقیقات انجام یافته و نیز اسنادی تاریخی مرتبط بررسی و مرور گردید. سپس با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری، اطلاعات کافی گردآوری و ثبت شد و در مرحله بعد به روش استقرائی به فشرده‌سازی اطلاعات به‌دست آمده از طریق طبقه‌بندی پرداخته شد و در راستای دستیابی به اهداف پژوهش، اطلاعات طبقه‌بندی شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از طریق آن به مسأله تحقیق و سؤالات مطالعه پاسخ داده شد.

یافته‌ها

جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی؛ جایگاه زنان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ادوار مختلف تاریخی از منظر مشارکت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و اداری به شرح ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

وضعیت زنان در دوره قاجار؛ در مقاله «نگاهی به فعالیت‌های اجتماعی زنان» به قلم قاسمیان و مولایی که وضعیت زنان در دوره قاجار به رشته تحریر درآمده‌اند، آورده شده است: که حضور زن در عرصه‌های مختلف در دوره قاجاریه بسیار چشمگیر بوده است و برخلاف دیدگاه رایج که معتقد است زنان در دوره قاجاریه بنا بر سنت‌های رایج هیچ‌گونه فعالیتی در اجتماع نداشته و فعالیت‌های آنان عمدتاً به امور خانه‌داری محدود می‌شده است، اما آنان فعالانه در مقاطعی حساس از تاریخ معاصر ایران نقش حساس خود را ایفا کرده‌اند. زنان همیشه در جامعه حضور داشتند و به ایفای نقش می‌پرداختند (قاسمیان و ملایی، ۱۳۹۴: ۸۲). در کتاب «جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان» شفیعی سروستانی: وضعیت زنان را در دوره قاجار از منظر آموزش، فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، شرایط زیست محیطی و طبقاتی بحث می‌کند، مهم‌ترین رویداد اجتماعی این دوران، جنبش تنباکو است. زنان از آغاز تا پایان آن بر ضد امتیاز نامه رژی پایه‌پای مردان، فعالانه در صحنه‌های مختلف حضور داشتند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۵). استفاده از معلمان سرخانه و مکتب‌خانه، از شایع‌ترین راه‌های آموزش دختران در اجتماع عهد قاجار بود (دلریش، ۱۳۷۵: ۱۲۰). در تحلیل پایگاه طبقاتی زنان در دوره قاجار می‌توان به دو طبقه بالا و طبقه پایین اشاره کرده (حسام‌پور و رحمانی، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹). زنان عهد قاجار، در مبادلات تجاری و بازار نیز، در سطح بسیار محدودی سهمیم بودند (دلریش، ۱۳۷۵: ۶۴).

حسام‌پور و رحمانی در مقاله «بازنمایی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان ایرانی از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه» آورده است: دختران از کودکی با فن شوهرداری آشنا می‌شدند. فضای فکری، فرهنگی و تربیتی زنان شهری، که آن‌ها در آن بار می‌آمدند، چه در خانواده متوسط و تهیدست و چه در خانواده‌های ثروتمند تقریباً یکسان بود و به همین دلیل چندان به دنبال تغییر وضع موجود حداقل تا بعد از مشروطه بر نیامدند. زنان عشایری ایران در دوره قاجار نسبت به زنان شهری در محیط زندگی خود، از آزادی بیشتری برخوردار بوده‌اند و به تبع آن فعالیت اقتصادی آن‌ها بیشتر از زنان شهری بوده است (حسام‌پور و رحمانی، ۱۳۹۲: ۶۶-۷۱).

وضعیت زنان در دوره مشروطیت؛ دوران مشروطیت یکی از حساس‌ترین برهه تاریخی در ایران بوده که نقش زنان نسبت به دوره‌های قبل به لحاظ مشارکت اجتماعی، سیاسی، فعالیت‌های فرهنگی پررنگ‌تر بوده است (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۷). در جنگ ایران و عثمانی در زمان صفویه، زنان آذربایجان لباس جنگ پوشیده وارد میدان می‌شدند و زمانی که در شهر مانده بودند با حمله قشون دشمن به شهر از بالای بام به سر آن‌ها آب جوش می‌ریختند (کاو تالوکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۴). در جنبش تحریم تنباکو نیز زنان به خوبی رشد اجتماعی و دینی خود را به منصفه ظهور رساندند به طوری که از این تاریخ، بیداری واقعی زنان آغاز شد (بامداد، ۱۳۷۴: ۱۱). در واقع مشارکت در کل روند نهضت مشروطه، یعنی از آغاز مقدمات آن تا هنگام پیروزی آن و پس از آن در جریان خورده (خودکامگی) و

به‌ویژه قضیه‌ی اولتیماتوم روسیه به ایران، فصلی کاملاً نو در تاریخچه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی زنان ایران گشود (حافظیان، ۱۳۸۱: ۵۰).

سرنا در کتاب «مردم و دیدنی‌های ایران» لحاظ کرده است: حضور زنان در جامعه محدودتر از مردان اما با ایفای نقش‌های اجتماعی همراه بوده است. تفکیک جنسیتی در فضای عمومی رعایت می‌شده است (سرنا، ۱۳۶۳: ۵۰). در کتاب «زنان ایران در جنبش مشروطه» به قلم ناهید به رشته تحریر درآمده به این نکته اشاره شده: تأثیر انقلاب مشروطه بر جامعه زنان ایران در کمتر از چهار سال پس از فرمان مشروطیت علنی شد، نشریات زنان انتشار یافت، مدارس مآلی دختران تأسیس شده و فعالیت‌های سازمان یافته سیاسی - اجتماعی زنان دیگر نه پنهانی و در خفا، که بروزی آشکار یافت (ناهید، ۱۳۶۰: ۸۱).

در دوره دوم تاریخ مشروطه برای زنان فعال در مطبوعات دوره کنشگرانه‌تری بود. آن‌ها فرصت یافتند از طریق رسانه‌های مکتوب، مطالبات خود را بلندتر فریاد زنند، واژه‌های «حق»، «قانون»، «آنچه زنان می‌خواهند»، «آزادیخواهی زنان» که تا پیش از مشروطه تنها در نشریات فارسی زبان خارج از ایران چاپ می‌شد، در ادبیات نشریات زنان جاری شد (حاجیان، ۱۳۸۰: ۵۸). تغییراتی در وضعیت عمومی زنان بالأخص در زمینه آموزش روی داده است (انصاف‌پور، ۱۳۴۸: ۲۰۳). انقلاب مشروطیت در واقع نقطه آغاز رشد سریع مدارس جدید برای زنان و بحث‌های مربوط به آموزش زنان به‌طور کلی است (رینگر، ۱۳۸۱: ۲۵۷). فعالیت‌های اصلی زنان در این دوره، یعنی تأسیس مدارس دختران، تشکیل انجمن‌های زنان و نوشتن نامه و مقاله در جراید مشروطه، مجموعه‌ای به‌هم تافته بود و هر یک در شکل‌گیری و آفرینش دیگری تأثیر می‌گذاشت (نجم‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۰). فاطمی در کتاب «تأملی بر مشارکت سیاسی اجتماعی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران» نوشته آنچه از بررسی تاریخ اجتماعی ایران بر می‌آید این است که حضور زنان به صورت یک گروه یا طبقه مستقل مطرح نیست و به قول فوران به‌صورت گروه و طبقه مختلط می‌باشند. شهری‌ها به نسبت زندگی مردم روستا از نظر رفاه مادی بهتر بودند (فاطمی، ۱۳۸۴: ۱۳۳). با به‌ثمر نشستن انقلاب مشروطیت و ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی و تلاش برای دستیابی به حقوق انسانی، دستیابی به کار و شغل به‌عنوان یکی از پایه‌های استقلال زنان و برابری آن‌ها با مردان نیز مورد توجه قرار گرفت. یکی از راه‌های آزادی و استقلال زنان، داشتن کسب و کار دانسته شد (امیدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶).

وضعیت زنان در دوره پهلوی اول؛ آبراهامیان «در کتاب ایران بین دو انقلاب» آورده رضاخان در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۰۵ به‌عنوان شاه ایران تاج‌گذاری کرد. در آن زمان احزاب سیاسی فعال بودند. یکی از آن‌ها حزب سوسیالیست بود که انجمن زنان وطن پرست به‌عنوان شاخه‌ای از این حزب فعالیت می‌کرد. دبیر این انجمن محترم اسکندری همسر سلیمان اسکندری و مدیر یکی از اندک مدارس دخترانه‌ی کشور بود. عمده‌ی فعالیت‌های انجمن عبارت بود از: مبارزه برای وضع قوانین حمایتی زنان، برگزاری کلاس‌های سوادآموزی، انتشار مجله و اجرای نمایش‌نامه برای ارتقای سطح آگاهی عمومی

(آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۱۵۹). در سال ۱۳۱۳ مؤسسات آموزش، به‌ویژه دانشگاه تهران درهای خود را به روی دختران و پسران باز کردند. اماکن عمومی مانند سینماها، کافه‌ها و هتل‌ها در صورت تبعیض قایل شدن بین زن و مرد می‌بایست، جریمه‌های سنگینی پرداخت کنند. سازمان‌های فرهنگی که بیشتر جایگزین انجمن زنان وطن پرست و حزب سوسیالیست شده بودند، دوباره به فعالیت پرداختند. در دوره سلطنت رضاخان نیز زنان در انتخابات حضور نداشتند (حبیبی و پاک‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۳). یکی از اساسی‌ترین کارهای رضاشاه توجه به حق و حقوق زنان بود از جمله این اقدامات عبارتند از: اصلاح قوانین ازدواج بود. از اقدامات دیگر مهم رضاشاه توجه به مقوله‌ی ورزشی و تربیت بدنی و بهداشت مادران و نوزادان و کودکان شیرخوار بود، از دیگر اقداماتی که نشانه‌ی توجه به حق و حقوق زن و مرد و به‌ویژه زنان است معاینه‌ی صحیح پیش از ازدواج و محروم کردن دختر و پسر نابالغ از ازدواج است (صفایی، بی‌تا: ۱۲۰-۴۹).

ملک‌زاده و بقائی در مقاله «درآمدی تحلیلی بر سیاست‌های فرهنگی - مذهبی پهلوی اول و دوم» آورده است: واقعه کشف حجاب یکی از تغییرات اساسی رضاشاه در خصوص وضعیت و پوشش زنان بود، پس از تأسیس سازمان زنان، یکی از وظایف اصلی آن سازمان، آگاه‌سازی زنان جامعه از مضرات حجاب و تشویق آن‌ها به کشف حجاب بود (ملک‌زاده و بقائی، ۱۳۹۵: ۸). روز هفتم دیماه ۱۳۱۴ ه. ش در عمارات دانشسرای عالی تهران، با حضور شاه مراسم برای اعطای دیپلم به فارغ‌التحصیلان دختر برگزار گردید و همه در این مراسم بدون حجاب ظاهر شدند و این روز به نام روز آزادی زن و کشف حجاب نامگذاری شد (واقعه کشف حجاب، ۱۳۷۳: ۲۷).

اصلاحات رضاشاه در امر آموزش همگانی و مدرن باعث گردید از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ثبت نام در مدارس نوین به‌طور متوسط سالی ۱۲ درصد رشد کند. همچنین رضا شاه در سال ۱۳۰۷ قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور را از تصویب مجلس گذراند (ملک‌زاده و بقائی، ۱۳۹۵: ۸۲-۸۱). علاوه بر روند رشد مدارس دختران، برخی نهادها نیز در تقویت آموزش‌های نوین زنان مؤثر بودند. از این نمونه می‌توان از قانون بانوان نامبرد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۶۳۸-۶۳۷). از تمامی مطالب ارائه شده متوجه می‌شویم که روند تحولات در کلیه سطوح جامعه صورت پذیرفته و جایگاه زنان از زوایای مختلف نسبت به حکومت‌های قبل رو به رشد و اعتلا بوده است.

وضعیت زنان در دوره پهلوی دوم؛ نروزی در مقاله «مشارکت سیاسی زنان در دوره پهلوی اول و دوم» نوشته است: پهلوی دوم تلاش‌ها و تحولات عظیمی در وضعیت زنان به‌ویژه در کسب کرسی‌های پارلمان و به‌کارگیری زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تصدی پست‌های مدیریتی به‌ویژه در سطوح کلان انجام داده است. عدالت و عقل سلیم حکم می‌کرد که زنان هم از همان حقوق سیاسی مردان بهره‌مند باشند، در ۸ اسفند ۱۳۴۱ به زنان ایران حق رأی و حق انتخاب‌شدن داده شد. شاه، دو زن را به سناتوری مجلس سنا منصوب کرد و در سال ۱۳۴۴ برای اولین بار یک زن به مقام وزارت رسید. در سال ۱۳۵۳، ۱۲۵ زن در پست‌های نمایندگی مجلس، معاونت وزیر، مدیرکل، وزارت دادگستری، قضاوت

و ریاست‌های انجمن‌های شهر و روستا حضور داشتند. تعداد نمایندگان زن در دوره بیست و سوم، ۱۶ وکیل و ۴ سناتور و در دوره بیست و چهارم، ۲۰ وکیل و ۴ سناتور بود (نوروزی، ۱۳۹۵: ۴۱). بعد از سقوط رضاشاه، محمدرضاشاه که از بازخورد منفی سیاست‌های آمرانه پدرش در سطح جامعه سنتی ایران آگاه شده بود دستور الغای امریه کشف حجاب را صادر کرد. از آن زمان تا انقلاب ۱۳۵۷، رژیم هیچ دخالتی در امر پوشش زنان نداشت. با گسترش فرهنگ و آموزش در دوره محمد رضاشاه و همگام بارشد بودجه عمومی کشور تقریباً در تمام روستاهایی که قابل دسترس بود مدارس دولتی ایجاد شد. دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه صنعتی آریامهر، دانشگاه پهلوی شیراز، دانشگاه تبریز، فردوسی مشهد و ملی تهران نیز در همین سال‌ها به بهره‌برداری رسیدند. با بهتر شدن وضع اقتصادی دولت و شهروندان ایرانی، روند اعزام دانشجویان از طریق بورس دولتی و یا از طریق خود خانواده‌ها، برای تحصیل به خارج از کشور روند رو به صعودی داشت، این روند تا انقلاب ۱۳۵۷ ادامه داشت (ملک‌زاده و بقائی، ۱۳۹۵: ۱۰۲-۷۹). بنابراین با کمی تأمل در می‌یابیم که میزان با سوادی در میان زنان در دو دهه قبل از انقلاب رشدی جهشی داشته است. در سال ۱۳۲۸ تنها حدود ۸ درصد از کل زنان ۷ ساله به بالا باسواد بودند، اما در سال ۱۳۵۳ این آمار به ۳۵ درصد افزایش یافت. پهلوی دوم در خصوص مسائل حقوقی زنان دست به اقداماتی نموده است. در سال ۱۳۴۶ تصویب قانون حمایت خانواده و نیز تکمیل آن در سال ۱۳۵۴ به منظور افزودن مواد بیش‌تری به نفع حقوق زنان و هم‌چنین قوانین کار مربوط به زنان بود (نوروزی، ۱۳۹۵: ۴۲-۴۳). دوره پهلوی دوم هم‌زمان بود با اجرای برنامه اصلاحات ارضی و تحولات اقتصادی - اجتماعی جامعه روستایی، و جامعه شهری نیز دگرگونی‌های مهم و سریعی را از سرگذراند (خالقی دامغانی، ۱۳۸۵: ۷۱). وضعیت طبقاتی در دوران پهلوی دوم گویای شکاف طبقاتی شدید بین طبقه بالای شهری و طبقات پایین شهری می‌باشد که اعتراضات و نارضایت‌ها معمولاً از طبقات پایین شهری نشات می‌گرفت. و به‌لحاظ اقتصادی، آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی تفاوت فاحش بین این دو طبقه مشهود است.

جایگاه زنان بعد از انقلاب اسلامی؛ در مقاله «انقلاب اسلامی و آرمان‌های بیدارکننده جنبش زنان» مرشدی اشاره کرده: انقلاب اسلامی با نقد مبانی و کارنامه چهارگونه از نظام‌های اجتماعی ناسیونالیستی، توتالیتر، سوسیالیستی و لیبرالیستی پا به میدان می‌گذارد. و در این راستا جامعه زنان ایران به دلیل مشارکت فعال و پیروزمندانه خویش نقش تعیین‌کننده‌ای در استقرار جمهوری اسلامی و پیاده شده قانون اساسی دارند (مرشدی، ۱۳۸۲: ۲۲).

سیاست‌گذاری دولت بین سال‌های (۶۰-۵۷)؛ سرمدی در پایان‌نامه «بررسی مقایسه‌ای گفتمان رسمی در مورد زنان و گفتمان نشریات و تشکل‌های غیردولتی زنان» نوشته: اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی از مهمترین اهدافی بود که از ابتدای پیروزی انقلاب از سوی انقلابیون که متمایل به گفتمان سنتی مذهبی بودند پیگیری می‌شد و از سوی امام خمینی (ره) نیز مورد تأیید قرار می‌گرفت. در همین راستا از جمله بارزترین اقداماتی که در دوره زمان بهمن ۱۳۵۷ تا سال

۱۳۶۰ صورت گرفت، لغو قانون حمایت خانواده، اجباری شدن حجاب، لغو خدمت نظام وظیفه دختران، دخترانه و پسرانه شدن مدارس، ممنوعیت قضاوت زنان و گنجاندن واژه رجال در قانون اساسی به عنوان یکی از شروط رئیس جمهور بود (سرمدی، ۱۳۸۹: ۳۸). برای اولین بار روزنامه کیهان ۱۶ اسفندماه ۵۷، در صفحه اول خود این تیتراژ را منتشر کرد. امام خمینی (ره) زن‌ها باید با حجاب به وزارت خانه بروند. موضع رهبر انقلاب اسلامی در مورد حجاب زنان درست یک روز قبل از ۱۷ اسفند یعنی روز جهانی زن صورت گرفت.

فراستخواه در مقاله «زنان آموزش عالی بازار کار» نوشته است: از سال ۱۳۵۹ به دلیل انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها در سراسر کشور به مدت ۲ سال تعطیل شدند. بعد از آن اولین آزمون دو سال بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها برگزار شد، در این آزمون تغییراتی نسبت به قبل صورت گرفته بود، از جمله این که تعدادی از برنامه‌های تحصیلی مانند موسیقی و مشاوره حذف شدند. در این سال حدود ۱۶۹ رشته دانشگاهی تعریف شد که دختران از انتخاب ۹۱ رشته محروم شدند. این مسأله سبب شد سهم زنان از جمعیت دانشجویی از حد پایین ۳۲ درصد در سال ۵۷ باز تنزل کند و در سال ۶۸ به ۲۸/۶ درصد رسید (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۴۵). در این دوره شاهد اعمال نگرشی در خصوص زنان هستیم بر اساس چنین نگاهی بود که در این دوره سهم زنان شاغل در کل اشتغال کشور از رقم ۱۳/۸ در سال ۱۳۵۷ درصد به ۸/۹ درصد کاهش یافت.

مصوبات مجلس در این دوره؛ دادن حق حضانت فرزندان به همسران شهدا، این دوره تاریخی همزمان است با مجلس اول و دوم شورای اسلامی، در این دو مجلس، قوانینی برای حمایت از زنانی که همسرانشان به شهادت رسیدند وضع شد، از جمله قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها این قانون در دی ماه سال ۶۰ به تصویب مجلس اول رسید.

قانون خدمت نیمه وقت بانوان؛ بر اساس این قانون وزارتخانه‌ها و مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری و شرکت‌های دولتی و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، می‌توانند در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و موافقت بالاترین مقام مسئول خدمت آنها را نیمه وقت تعیین کند. این قانون در دی‌ماه سال ۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

منع اعزام دختران دانشجو به خارج از کشور؛ در فروردین ماه سال ۶۴ قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور به منظور تأمین نیروی متعهد متخصص مورد نیاز کشور تصویب شد. در ماده ۳ این قانون تصریح شده بود بر این که زنان لیسانس و بالاتر با توجه به سایر ضوابط مندرج در این قانون، تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند و در معیت همسر خویش می‌توانند داوطلب اعزام شوند (سرمدی، ۱۳۸۹: ۹۱-۸۵).

حقوق مدنی؛ دو تغییر بسیار اساسی در قوانین تشکیل خانواده یعنی ۱) کاهش سن ازدواج دختران به ۹ سال و ۲) دادن امتیازات بیشتر به مردان در مورد طلاق و چندنزنی بود (شادی‌طلب، ۱۳۸۰: ۲۵).

سایر مصوبات مجلس دوم شورای اسلامی در مورد زنان؛ دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۷-۱۳۶۳) در این دوره نیز چهار نماینده زن به مجلس راه یافتند که این تعداد نیز مانند دوره اول مجلس نسبت به کل نمایندگان مجلس، ۶/۱ درصد بوده و بالاترین سطح تحصیلات فوق لیسانس و پایین‌ترین آن ابتدایی بود. دوره دوم مجلس نیز در طول جنگ قرار داشت (سرمدی، ۱۳۸۹: ۹۲).

سیاستگذاری دولت سازندگی و جایگاه زنان؛ مقاله نوسازی و تخریب که توسط کولائی و مزارعی به رشته تحریر در آمده است، نوشته شده: در سال ۱۳۶۸، با انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری دوره جدیدی در نظام جمهوری اسلامی پدیدار شد دولت هاشمی توانست به برخی از اهداف برنامه‌های توسعه دست پیدا کند و تغییرهای بسیاری را در وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران به وجود آورد (کولائی، مزارعی، ۱۳۹۵: ۴۰۹-۴۰۷). و توسعه، سازندگی و بازسازی اقتصادی، مشارکت زنان را می‌طلبید و این در شرایطی بود که به دلیل سیاست‌هایی که در یک دهه گذشته انجام شده بود، نرخ مشارکت اقتصادی زنان از ۱۲/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت، هم‌چنین نرخ بیکاری زنان از ۱۶/۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۵/۴ درصد در سال ۶۵ افزایش یافته بود. همین‌طور سهمیه‌بندی جنسیتی در کنار سهمیه‌هایی مانند رزمندگان، جانبازان و ... سبب شد سهم زنان در جمعیت دانشجویی از حد پایین ۳۲ درصد ۱۳۵۷ باز تنزل کرد و در سال ۱۳۶۸ به ۲۸/۶ درصد رسید (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۱۵۳). در چنین شرایطی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۷۲) اجرا شد. در این برنامه بر افزایش سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه به‌خصوص دختران و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی تأکید شده بود (علمی، ۱۳۸۳: ۲۴). آموزش عالی با دادن فرصت رقابت برابر به زنان، سبب حضور آن‌ها در عرصه اجتماعی و سیاسی، ارتقای موقعیت اجتماعی آن‌ها، افزایش توان جامعه به دلیل افزایش فرصت اشتغال برای بخش‌های گسترده‌تر جامعه و نیز افزایش آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها می‌شود (کولائی، مزارعی، ۱۳۹۵: ۴۰۹) رویکرد دولت بر ارتقای آموزش زنان قرار داشت (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۰ تأسیس شد. همچنین کمیسیون امور بانوان و بسیج خواهران از دیگر تشکیلات دولتی زنان محسوب می‌شد (عباسی‌نیا و مصفا، ۱۳۹۰: ۱۲). از اولین اقدامات دفتر امور بانوان نهاد ریاست جمهوری ایجاد دفاتر امور زنان در دستگاه‌های اجرایی بود.

سازمان‌های غیردولتی در پی رخدادهای دهه ۱۳۷۰ و پس از گذشت حدود یک دهه از انقلاب ۱۳۵۷ گسترش یافتند (سعیدی، ۱۳۸۴: ۲۹-۳۰). این سازمان‌ها فعالیت‌های متفاوت، متنوع و حتی غیرمربوط به مسائل زنان را انجام داده‌اند که ریشه‌های آن به برخی فعالیت‌های خود جوش مانند تلاش برای ساختن مهد کودک در محل‌های کار و کلاس‌های سوادآموزی و ... بر می‌گردد. این فعالیت‌ها به رشد آگاهی زنان در تشکیل انجمن‌های صنفی گوناگون پرستاری، وکلا و معلمان منجر شده است. همچنین

انجمن‌های خیریه کمک به معلولین و فقرا و حفاظت از محیط زیست از دیگر انواع فعالیت زنان در این سازمان‌هاست (Rostami Povey, 2004: 254-255)

از دیگر عناصر گفتمانی دولت، توجه به نقش‌آفرینی و زمینه‌سازی جهت حضور و اثرگذاری زنان در امر ارتقای تولید اقتصادی و کمک‌رسانی در جهت تغییر رویکرد اقتصادی از اقتصاد سنتی به اقتصاد صنعتی باز می‌گردد (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۳). نرخ بیکاری نیز که تا سال ۱۳۶۷ به بیش از ۱۵/۴ درصد می‌رسید، به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۷۴ کاهش پیدا کرد. نرخ رشد جمعیت نیز که در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به ۳/۹۶ می‌رسید، در دهه بعد یعنی سال‌های ۱۳۶۵-۷۵ به ۱/۹۶ درصد رسید (کولائی، مزارعی، ۱۳۹۵: ۴۰۹) همزمان با نوسازی و تحولات اقتصادی، شاخص‌های حوزه اجتماعی نیز رشد چشم‌گیری را تجربه کردند آموزش و تحصیلات، ارتباطات، شهرنشینی و بهداشت و درمان، برجسته‌ترین شاخص‌هایی هستند که مبنای شکل‌گیری طبقه متوسط جدید به‌عنوان موتور تحولات اجتماعی و سیاسی و نیز پشتوانه اصلی احزاب و نهادهای دموکراتیک به‌شمار می‌آیند (کولائی و مزارعی، ۱۳۹۵: ۴۰۹). رویداد مهم دیگری که در مورد زنان در این دوره تاریخی رخ داد، توجه بیشتر به ورزش زنان بود.

گرامیان و پورقوشچی در مقاله «جهانی‌شدن و مواضع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه‌ی ساختار گزار» آورده است: اکبر هاشمی رفسنجانی معتقد بود که مسئله‌ی تهاجم فرهنگی را نباید صرفاً «به بدحجابی‌ها محدود کرد. دیدگاه ایشان نسبت به حجاب، منطبق با ارزش‌ها و باورهای دینی و در عین حال مبتنی بر تعادل و به دور از افراط و تفریط است (گرامیان و پورقوشچی، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

دوران هشت سال ریاست جمهوری هاشمی با مجلس چهارم و سال‌هایی از مجالس سوم و پنجم شورای اسلامی همزمان است. در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۷-۱۳۷۱) چهار نماینده زن حضور داشتن. چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۱-۱۳۷۵) تعداد نمایندگان زن به ۹ نفر رسید که این تعداد نسبت به کل نمایندگان مجلس، ۶/۳ درصد بود حضور زنان در مجلس چهارم نسبت به مجلس سوم از رشدی معادل ۱۲۵ درصد برخوردار شد. در بهمن ماه سال ۷۰ با تلاش زنان مجلس پنجم تشکیل کمیسیون زنان، جوانان و خانواده تصویب شد (سرمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۰-۱۲۸).

سیاست‌گذاری دولت اصلاحات و جایگاه زنان؛ در مقاله «تحلیل گفتمان سه دوره اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه وضعیت اجتماعی زنان» توسط صادقی فسایی و همکاران به رشته تحریر در آمده است می‌گویند: دولت اصلاحات که با شعارهای قانون‌گرایی، ایران برای همه ایرانیان، جامعه مدنی، دولت پاسخگو و... رویکرد اصلاحی دولت در تمامی حوزه‌ها مشهود بود. این رویکرد در حوزه زنان نیز رسوخ کرده و فعالیت زنان دولت را متفاوت از دولت قبل رقم زد. متون مورد بررسی در گفتمان دولت اصلاحات نمایان‌کننده صورت‌بندی ترکیبی از زنان است (صادقی فسایی و همکاران،

تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران بین ...

۱۳۹۵: ۱۸۶). مشارکت عنصر مشترکی هم در گفتمان کلان دولت اصلاحات و هم در گفتمان خاص این دولت در حوزه زنان محسوب می‌گردد.

مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۷ اقدام به تشکیل کمیته ملی امحای خشونت علیه زنان نمود. نخستین گام این کمیته بررسی کیفیت و میزان خشونت خانگی علیه زنان بود که با همکاری وزارت کشور انجام شد. در دوران ۸ ساله دولت خاتمی چند خانه امن از سوی سازمان بهزیستی تشکیل شد، همچنین چندین سمینار بررسی خشونت‌های خانگی برگزار شد (سرمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۳). عباسی‌نیا و مصفا در مقاله «مشارکت زنان در جمهوری اسلامی ایران» می‌نویسند: یکی از اقدامات دولت خاتمی اعمال نگرش جنسیتی در برنامه چهارم توسعه بود. دولت اصلاحات در اعمال نگرش جنسیتی در برنامه سوم توسعه، فعالیت زنان در عرصه سیاسی تا حدودی (نه به‌طور کامل) افزایش یافت از همین رو زنان به منابع قدرت دسترسی بیشتری یافتند. در واقع ایجاد پست‌های جدید در این سطح از مدیریت برای زنان، عرصه‌های تازه‌ای برای نقش‌یابی زنان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها گشود (عباسی‌نیا و مصفا، ۱۳۹۰: ۱۲).

شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری در ۱۹ دی ۱۳۷۸ طرح دوره کارشناسی ارشد مطالعات زنان را تصویب کرد. این رشته مشتمل بر سه گرایش زن و خانواده، حقوق زن در اسلام و تاریخ زنان بود (سرمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

مواضع دولت خاتمی درخصوص نوع پوشش جامعه در دیدار اعضای فراکسیون زنان مجلس در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۷۹ چنین است. اسلام را محدود به پوشش و موی زن کرده‌اند، در حالی که اگر دایره‌ی ارزش‌ها را حداکثری ببینیم، می‌توانیم همه را در این دایره بگنجانیم. ایشان در سخنرانی خود در ۱۶ آذر ۱۳۷۸ در دانشگاه تهران اعلام نمود. نباید در دانشگاه استاد و جوان به‌نام تراشیدن ریش و یا مدل لباس، متهم شود، دانشگاه متعلق به همه است (گرامیان و پورقوشچی، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

مجلس ششم در دوران ۴ ساله فعالیت خود بیش از ۳۰ طرح در مورد زنان به تصویب رساند که بسیاری از آن‌ها با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد و به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده شد. از مهم‌ترین مصوبات مجلس ششم درخصوص زنان می‌توان به تصویب لایحه الحاق ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض از زنان، اصلاح قانون اعزام دختران دانشجوی به خارج از کشور، اصلاح ماده ۱۰۱۴ قانون مدنی در مورد سن نکاح، اصلاح مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۰ و ۱۱۳۳ قانون مدنی در مورد نفقه، اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی در مورد حضانت و ... اشاره کرد. سال اول فعالیت مجلس هفتم مصادف با آخرین سال دولت سید محمد خاتمی بود در این مجلس ۱۲ زن حضور داشتند که ده نفر از آن‌ها عضو جامعه زینب از تشکیلات وابسته به جناح راست سنتی بودند (سرمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۳-۱۹۳). نمایندگان راست‌گرای مجلس هفتم روز ۲۷ مرداد ۸۳ به پیشنهاد محسن کوهکن به حذف عبارت عدالت جنسیتی از برنامه چهارم توسعه رای دادند. همچنین نمایندگان مجلس هفتم از آغاز تشکیل این مجلس مخالفت

خود را با الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان اعلام کردند. کاهش بودجه مرکز امور مشارکت زنان و تصویب تحقیق و تفحص از این مرکز و در آذرماه ۸۳ طرح تسهیل ازدواج جوانان به مجلس مطرح شد.

اشتغال زنان یکی دیگر از عناصر گفتمانی دولت اصلاحات است. رشد نسبت زنان شاغل از ۸/۹ درصد در سال ۶۵ به ۱۲/۱ درصد در سال ۸۰ نشان‌دهنده اهتمام دولت به اشتغال زنان است (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۶). نویسندگان از تحلیل و بررسی مباحث فوق نتیجه‌گیری می‌کنند که دوران سازندگی و به‌ویژه دوران دولت اصلاح طلب دوران پیشرفت و شکوفایی زنان از منظر مدیریتی، حضور در مجامع بین‌المللی، اداری، سیاسی، آموزشی بوده است.

نتایج بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد که زنان قبل از انقلاب اسلامی موقعیت‌هایی محدودی را از لحاظ، آموزشی، اجتماعی و سیاسی داشتند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت زنان دوباره متحول شد و در این برهه مشکلات عدیده‌ای که جامعه با آن مواجه شده بود، مانع از توجه به مسائل زنان و احیای حقوق از دست رفته آنان بود. اما پس از بهبود نسبی اوضاع جامعه، مجدد موضوع حقوق زنان و جایگاه واقعی این قشر مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفت. اما طی سال‌های اخیر در بیش‌تر نهادها و سازمان‌های کشور، مراکزی برای پیشرفت زنان ایجاد شده‌اند. پایگاه زنان در جامعه ایران به‌ویژه با ورود به دهه ۷۰ تحولات و تغییراتی را تجربه کرده است. بیش‌تر زنان که اغلب در جامعه در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی قرار گرفته بودند، با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به ارتقای توانمندی‌های خود دست یافته‌اند و هم‌اکنون طالب سهم گسترده‌تری از مدیریت سیاسی جامعه هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تغییر جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران انجام یافت. نتایج بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد که زنان قبل از انقلاب اسلامی موقعیت‌هایی محدودی را از لحاظ، آموزشی، اجتماعی و سیاسی داشتند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت زنان دوباره متحول شد و در این برهه مشکلات عدیده‌ای که جامعه با آن مواجه شده بود، مانع از توجه به مسائل زنان و احیای حقوق از دست رفته آنان بود. اما پس از بهبود نسبی اوضاع جامعه، مجدد موضوع حقوق زنان و جایگاه واقعی این قشر مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفت. اما طی سال‌های اخیر در بیش‌تر نهادها و سازمان‌های کشور، مراکزی برای پیشرفت زنان ایجاد شده‌اند. پایگاه زنان در جامعه ایران به‌ویژه با ورود به دهه ۷۰ تحولات و تغییراتی را تجربه کرده است. بیش‌تر زنان که اغلب در جامعه در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی قرار گرفته بودند، با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به ارتقای توانمندی‌های خود دست یافته‌اند و هم‌اکنون طالب سهم گسترده‌تری از مدیریت سیاسی جامعه هستند.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است در ادوار مختلف تاریخی موقعیت زنان از منظر حضور در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دستخوش تغییرات و تحولات شده است. در حوزه زنان رویدادهای فراوانی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ اتفاق افتاد. از این رو این دو دهه را از بسیاری جنبه‌ها می‌توان نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و فکری ایران دانست. در دوره پهلوی دوم تغییراتی به مراتب بیش‌تر نسبت به دوره‌های قبل در خصوص آموزش و سواد آموزی زنان رخ داده پهلوی دوم تلاش‌ها و تحولات عظیمی در وضعیت زنان به‌ویژه در کسب کرسی‌های پارلمان و به‌کارگیری زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تصدی پست‌های مدیریتی به‌ویژه در سطوح کلان انجام داده است و برای اولین بار زنان در این دوره حق رأی کسب کردند. بعد از انقلاب، اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی از مهمترین اهدافی بود که از ابتدای پیروزی انقلاب از سوی انقلابیون که متمایل به گفتمان سنتی مذهبی بودند پیگیری می‌شد و از سوی امام خمینی (ره) نیز مورد تأیید قرار می‌گرفت. در همین راستا از جمله بارزترین اقداماتی که در بهمن ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۰ صورت گرفت، لغو قانون حمایت خانواده، اجباری شدن حجاب، دخترانه و پسرانه شدن مدارس، ممنوعیت قضاوت زنان و گنجاندن واژه رجال در قانون اساسی به‌عنوان یکی از شروط رئیس‌جمهور بود. بخشی از مهمترین مصوبات هیأت وزیران در این دوره به‌دلیل شرایط جنگی کشور به حمایت از خانواده‌های رزمندگان، شهدا، اسیران و یا مجروحان جنگی اختصاص دارد. در سال ۱۳۶۸، با انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری دوره جدیدی در نظام جمهوری اسلامی پدیدار شد که با دوره قبل فاصله داشت. رئیس‌جمهور جدید با گفتمانی جدید کار خود را آغاز کرد. از مهم‌ترین عناصر گفتمانی دولت هاشمی مسئله آموزش زنان در امر آموزش با رشد صعودی مواجه است هم‌چنین شاهد، حضور پررنگ زنان نسبت به دوره‌های قبل در مجلس شورای اسلامی هستیم. دولت اصلاحات که با شعارهای قانون‌گرایی، ایران برای همه ایرانیان، جامعه مدنی، دولت پاسخگو و ... رویکرد اصلاحی دولت در تمامی حوزه‌ها مشهود بود. این رویکرد در حوزه زنان نیز رسوخ کرده و فعالیت زنان دولت را متفاوت از دولت قبل رقم زد. متون مورد بررسی در گفتمان دولت اصلاحات نمایان‌کننده صورت‌بندی ترکیبی از زنان است. در این دوره نیز شکوفایی و پیشرفت زنان در حوزه حقوق اجتماعی و اساسی قابل مشاهده است.

منابع

- آبراهامیان، یراوند. (۱۳۸۳). ایران بین دو انقلاب. ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- امیدپور، زهره؛ باستانی، سوسن و رجب‌لو، علی. (۱۳۹۲). تحلیل رویکرد متجددانه‌ی زنان در دوره‌ی مشروطیت. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء، سال بیست و سوم، شماره ۲۰، پیاپی ۱۱۰.

- انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۴۸). حقوق زن و مقام آن از آغاز تا اسلام. تهران: انتشارات آفتاب.
- بابایی راد، بیتا و حاتم‌پور، شبنم. (۱۳۹۰). زن و تحولات سیاسی از قرن ۷ تا پایان دوره پهلوی. فصلنامه علمی و پژوهشی زن و فرهنگ، سال دوم، شماره ششم.
- بامداد، بدرالملوک. (۱۳۴۷). زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید. تهران: ابن سینا.
- حافظیان، محمدحسین. (۱۳۸۰). زنان و انقلاب داستان ناگفته‌ها. تهران: اندیشه برتر.
- حاجیان، هایده. (۱۳۸۰). نقش و مشارکت زنان در جنبش‌ها و تحولات اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حبیبی فتح‌آبادی، مریم و پاک‌نیا، بختیار. (۱۳۸۹). نقش زنان در توسعه اجتماعی و فرهنگی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی. رشد آموزش تاریخ، دوره دوازدهم، شماره ۲.
- خالقی دامغانی، احمد. (۱۳۸۵). پیوست‌ها و گسست‌ها در ساختار اجتماعی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی). فصلنامه مطالعات ملی، دوره هفتم، شماره ۴.
- دلریش، بشری. (۱۳۷۵). زن در دوره قاجار. تهران: انتشارات سوره.
- دولت‌آبادی، صدیقه. (۱۳۷۷). نامه‌ها، نوشته‌ها، یادها، به کوشش مهدخت صنعتی و افسانه نجم‌آبادی، نگرش و نگارش زن، شیکاگو.
- دهقان حسام‌پور، مهدی و حماني، کامران. (۱۳۹۲). بازنمایی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان ایرانی از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه با تأکید بر سفرنامه‌های اروپائیان (فرانسه، انگلیس، آلمان). فصلنامه پارسه، سال ۱۳، شماره ۲۰.
- سرمدی، پرستو. (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای گفتمان رسمی در مورد زنان و گفتمان نشریات و تشکل‌های غیردولتی زنان (دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۵۷)، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.
- سعیدی، علی‌اصغر. (۱۳۸۴). رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران (جستجوی یک همکاری بهینه). پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳۳.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۳). مردم و دیدنی‌های ایران. ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی. تهران: نشر چشمه.
- شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۸۰). پدیدارشناسی یک تجربه: راه‌اندازی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز مطالعات زنان، دوره ۱، شماره ۱.
- شفیع‌ی سروسنانی، ابراهیم. (۱۳۸۵). جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان. قم: نشر کتاب طه.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ خادمی، عاطفه و نجفی، طیبه. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان سه دوره اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه وضعیت اجتماعی زنان. دوره ۴، شماره ۷.
- صفائی، ابراهیم. (بی‌تا). بنیادهای ملی در شهرداری رضاشاه کبیر. تهران: انتشارات اداره‌ای کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران بین ...

- عباسی‌نیا، اکرم و مصفا، نسرين. (۱۳۹۰). مشارکت زنان در جمهوری اسلامی ایران (۸۶ - ۷۵). تحقیقات زنان، سال ۵، شماره ۱.
- علمی، زهرا. (۱۳۸۳). سیاست‌های اقتصادی کلان و بازار کار زنان در ایران. پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱.
- فاطمی، عباسی. (۱۳۸۴). تأملی بر مشارکت سیاسی اجتماعی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۸۰-۱۳۳۲). تهران: نشر رمز.
- فراستخواه، مسعود. (۱۳۸۳). زنان آموزش عالی بازار کار. پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱.
- قاسمیان، سلمان و ملایی، مصطفی. (۱۳۹۴). نگاهی به فعالیت‌های اجتماعی زنان در دوه اجاره (بررسی مورد تهران). فصلنامه آرشیو ملی، سال ۱، شماره ۴.
- کاوه تالوکی، مسعود؛ جعفری، انوش و عباسی، سمیه. (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در دوران مشروطیت، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ۵، شماره ۱۶.
- کولائی، الهه و مزارعی، یوسف. (۱۳۹۵). نوسازی و تحزیب (مطالعه موردی: دولت هاشمی رفسنجانی). فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۶، شماره ۲.
- گرامیان، سعیده سادات و پورقوشچی، محمدرضا. (۱۳۹۴). جهانی‌شدن و مواضع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه‌ی ساختار - کارگزار (مقایسه سه دولت اکبر هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد). فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال ۶، شماره ۱۶.
- ملک‌زاده، الهام و بقائی، محمد. (۱۳۹۵). درآمدی تحلیلی بر سیاست‌های فرهنگی - مذهبی پهلوی اول و دوم. فصلنامه گنجینه اسناد، سال ۲۶، شماره ۳۳۳.
- مرشدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و آرمان‌های بیدارکننده جنبش زنان. فصلنامه فرهنگی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان ریحانه، سال ۱، دوره ۱، شماره ۵.
- رینگر، مونیکا ام. (۱۳۸۱). آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگ در دوران قاجار. ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه. تهران: نشر ققنوس.
- ناهید، عبدالحسین. (۱۳۶۰). زنان ایران در جنبش مشروطه. تبریز: نشر احیا.
- نجم‌آبادی، افسانه. (۱۳۸۵). نقش زنان بر مشروطیت. نشریه اجتماعی زنان، شماره ۱۳۴.
- نوروزی، بشرا. (۱۳۹۵). مشارکت سیاسی زنان در دوره پهلوی دوم سال‌های ۵۷-۱۳۲۰. فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۳.
- واقعه‌ی کشف حجاب. (۱۳۷۳). اسناد منتشرشده از واقعه‌ی کشف حجاب در عصر رضاخان. تهران: سازمان مدارک فرهنگی.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و پنجم، تابستان ۱۳۹۹

- Rostami Povey, E. (2004). Trade Unions and Women NGOs: Diverse Civil Society Organizations in Iran, Development in Practice, Vol. 14, No. 1-2, PP: 254-266.

